

### متن پرسش

با سلام و عرض ادب: در صورت امکان در جواب سوال ۱۹۵۸۰ بیشتر راهنمایی بفرمایید. اصل سوال من اینجاست که چون خدا همه جا حضور دارد، عالم ماده که مجرد نیست آیا در خارج واقع نیست خوب خدا که شدیدالوجود است آیا خارج معنا دارد؟ بچه گانه تر بگویم عالم ماده تو خداست یا جدا از خداست متوجه این ربط و وصل هستم ولی چون خدا شبیه هیچ چیزی نیست این ذهن بیچاره دنبال این است که وقتی خدا اراده عالم ماده کرد بعد تجلی کرد بیرون ریخت یعنی خارجی واقع شد چون عالم ماده مکانمند است نمی توانم این مطلب را جمع کنم که الان این عالم در کجاست. طبق برهان صدیقین خدا همش همه جا هست و تجلی دارد پس می شود گفت که مجردات و این عالم ماده با بعدهای زمان و مکاننش در خود ذات خداست اگر نباشد این تجلیات در خارجی واقع شده اگه شده این خارج چگونه است؟ نمی دانم باز هم توانستم سوالم را مطرح کنم یا نه ولی استاد می دانم که عیب از منه شاگرده که شاید اصلا سوال بی اساسی پرسیده ام ولی تاکیدم بخاطر درگیری ذهنم به این سواله، به قول استاد صمدی عاملی اگر شاگرد در درک مطلب عجله کند و زودتر از وقتش بخواهد بداند شاید جوابش را بگیرد ولی پخته بار نمی آید من هم جزو آن دسته، ولی مشکلم کنجاوی بیش از اندازه در این مورد است به هر حال وقت شریف شما گرفته شد. حلال بفرمایید. ما هنوز ابتدای مقدمات راهیم. باز هم تشکر که حوصله کردید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! از یک جهت که نسبتی بین خالق و مخلوق هست، خالق غیر از مخلوق است. ولی از آن جهت که نسبتی بین خدا و خود خدا هست و این که اوست که همه جا در صحنه است؛ باید متوجه بود با هر موجودی در صحنه می باشد منتها از طریق آن موجود، کمالاتش ظاهر می شود. از این جهت دیگر دوگانگی بین خالق و مخلوق در میان نیست تا گفته شود آن جا که مخلوق هست خدا کجاست. موفق باشید